

- ۱..... بحث تسخیر طبیعت و تمتع به نعم طبیعی:
- ۲..... بحث دوم: بحث تزیین
- ۲..... تدلیس:
- ۳..... نوع دوم از تزیین محرم: بحث خرقة بر صورت
- ۴..... راه حل حکم کراهت خرقة بر صورت:
- ۴..... راه حل اول:
- ۴..... راه حل دوم:
- ۴..... بحث شهرت:
- ۴..... نقش بحث شهرت فتوایی در اصول:
- ۴..... راه حل تصحیح روایات:
- ۵..... راه حل سوم:
- ۶..... نکته پایانی:

بحث تسخیر طبیعت و تمتع به نعم طبیعی:

اصل قصه را تبیین کردیم و بعد هم گفتیم که روی عناوین و موارد خاصه این تصرف و تسخیر طبیعت حرام می شود و لذا تکسب آن هم حرام می شود. منتهی خیلی اجمالی بحث کردیم.

بحث دوم: بحث تزئین

در باب تزئین هم صورت آرائی یا آراستن شخص خود را در لباس یا صورت یا مرکب و امثال اینها را مطرح کردیم با این نگاه کلی، اصل تزئین در صورت و چهره و لباس و مرکب و امثال اینها دارای اباهه است به دلایل لفظی و عملی که عرض کردیم. بعد گفتیم متصف به احکام خمس می شود که گاهی واجب و مستحب می شود. و گاهی هم حرام و مکروه می شود. آنچه که به بحث ما ربط داشت بعد از این مقدمات تزئینات محرمه بود. هر عنوانی که بحث می کنیم اول آن را از یک منظر کلان بحث می کنیم واجب و حکم اولی و اینها را ذکر می کنیم. آنوقت موارد محرم آن را بحث می کنیم. جاهایی که متصف به احکام مختلف می شود اگر هم نه خود آن را بحث می کنیم. تزئین مثل عنوان قبلی از این قبیل بود، یعنی چیزی بود که مطلقاً حرام نبود، بلکه می توانست به احکام خمس موصوف شود، منتهی تزئین محرم در اینجا ذیل بحث قرار گرفت که تزئین به تدلیس که در مکاسب آمده یکی از انواع تزئینات محرمه بود. البته اگر ما فقه مستقل مناسب داشتیم این تزئین را کامل تر از آنچه که ما بحث کردیم بود. البته کلیاتش را بحث کردیم، ولی از اول تا آخر همه مواردش تزئین مباح، مستحب، واجب، حرام و مکروه یک به یک شرائط و ضوابط و حدود آنها کامل ذکر شد. ما به اجمال از این قصه عبور کردیم. تزئین مباح مستحب و واجبی را به اجمال از آن عبور کردیم و به اختصار رسیدیم به تزئینات محرمه، این تزئین به مناسبت دیگری در کتاب صلاه هم در لباس مصلی آمده است. در بحث لباس مصلی تزئین به ذهب هم در لباس، هم در دندان و بخشی از مباحث به صورت استطرادی در آنجا آمده است. یعنی بحثی با این همه اهمیت و دامنه وسیع که ما فقط یک سری به بحث زدیم و وارد همه ابعادش نشدیم. در دو، سه جای فقه که مطرح می شود همه حالت حاشیه ای و استطرادی دارد. در حالیکه جای این است که یک بحث جامع و مفصلی داشته باشد.

تدلیس:

در باب تدلیس ما یک بحثی طبق قواعد انجام دادیم. گفتیم تزئین تدلیسی که خود شخص انجام بدهد، یا دیگری برای او انجام بدهد. یا کسی بخواهد تکسب به این کند، مثل آرایش گریهای موجود، این یک قسمش بدون عملیه جراحیه است. و یک قسمش با عملیه جراحیه است. طبق قواعد حکمش را روشن کردیم. این سه قسم بدون عمل جراحی در آرایش گریهای معمولی اگر در مقام تدلیس در باب ازدواج باشد، چه دختر، چه پسر فرقی نمی کند، گفتیم این غش و محرم است. و تکسب به آن حرام است. و همانطور که بعد خواهیم گفت باطل هم است. این بحث را اول انجام دادیم. بحث دوم این بود که ادعا شده بود که روایاتی در این باب است. این روایات را ما خواندیم. یک نکته کلی که در باب این روایات گفتیم این است که این روایات باب نوزده ابواب ما یکتسب به کلاً بی ارتباط با تدلیس است. دو اشکال کلی در این روایات داشتیم. یکی اینکه این روایات ضعیف است، جز یکی آخری که اصل جواز آرایش گری بود. برای زن اصل اینکه می تواند موهای زایدش را زائل بکند یا نه؟ که به

بحث ما ربطی ندارد آن بحث اصل تزیین است. بقیه روایات در این بحث اولاً ضعیف بود. ثانیاً این روایات با تدلیس ارتباط نداشت. بحث این بود که در مقام آرایش گری انواعی از آرایش را منع کرده بود. و اینها همه انواع تزیین است. و نه بحث تزیین در مقام تدلیس، اصلاً کار به نوع ندارد. به عبارت دقیق تر اینها اصلاً در مقام اطلاق از حیث تدلیس و غیر تدلیس نیست. حیثش، حیث نوع تزیین است، نه کیفیت تزیین، عام و مطلق نیست. حیثش این است و ربطی به بحث ندارد. یعنی آنجایی که بحث این را می کند که کلاه گیس بگذارد به تعبیر امروز مو را به موی دیگری وصل بکند. اینها اصلاً در ذهن راوی و در مقام و سؤال و جواب و اینها نیست. در مقام خدعه است. و کار به آن ندارد. از این حیث در مقام بیان نیست و اطلاق ندارد.

بنابراین بحث تزیین خدعه ای روایت خاصه ای ندارد. قاعده عامه اش را اول ذکر کردیم. که اختصاص به قاعده کلی است. در مناکحات اینطور است. تزیین و غیر تزیین و هر کاری که نوعش فرق نمی کند، هر عملیات تزیینی و حتی عملیات غیر تزیینی که یک نوع خدعه و غش به حساب می آید حرام است. این روایات به این بحث ربط ندارد. غیر از اینکه ضعیف است. این اولین بحث از تزیینات محرم بود که **التزیین التدلّیسی التزیین فی مقام الخدعه و التدلّیس.**

نوع دوم از تزیین محرم: بحث خرّقه بر صورت

این یک نوع تزیین است که با خرّقه انجام می گیرد. که شکل این یا به حفه کردن و زدودن موهای اضافه که پارچه ای می انداختند و می چسباندند و موها را می کردند. که بعید نیست این باشد. یا اینکه مقصود این است که چیزی بمالند به صورت برای اینکه صورت را شفاف کنند. شکل آن فرقی نمی کند، در هر حال این است که ازاله موها و شفاف کردن چهره با خرّقه و مالش و امثال اینها باشد. این نوع دوم است که کار به تدلیس ندارد. آنوقت این روایات را باید از این منظر ببینیم. این بحث خرّقه در این روایات در روایت اول آمده بود که **فلا تغسلی وجهها بالخرّقه** و در روایت دوم هم آمده بود که **لا تجلل وجه بالخرق فانه یذهب بماء الوجه** در همین دو روایت آمده بود. شاید در مستدرک و بعضی کتب دیگر هم در یک روایت هم آمده باشد. این نوع دوم روایاتش ضعیف است. و تعدد روایات هم ندارد که ما آن قاعده خاصه که خودمان می گفتیم که قاعده ضم ضعاف باشد. مشمول آن نیست. و لذا روایاتش ضعیف است. مگر اینکه کسی به یکی از این وجوهی که عرض می کنم در حد کراهت بتواند اینها را بپذیرد. روایت اول و دوم باب نوزده این بحث غسل الوجه بالخرّقه در حد کراهتش وجهی که برای آن قبول می شود، یکی از وجوهی است که عرض می کنم. یکی اینکه کسی قاعده تسامح در ادله سنن را بپذیرد و بگوید که طبق قاعده تسامح در ادله سنن این روایت اول و دوم را می پذیریم و حکم به کراهت می کنیم. چون حمل بر حرمت و نوع استدلال و اینها قرائن داخلی دارد که معلوم است حرمت را نمی گوید، کراهت دارد. و لذا اگر کسی

قاعده تسامح در ادله سنن را بپذیرد لا یبعد که یفتی بکراهه الخرق بالوجه و غسل وجه بالخرقه، ظهور این روایات بیش از کراهت نیست.

آیا قاعده تسامح در ادله سنن اختصاص به مستحبات دارد؟ یا قابل تعمیم مکروهات است؟

راه حل حکم کراهت خرقه بر صورت:

راه حل اول:

این است که اگر کسی قاعده تسامح را بپذیرد. و تعمیم این قاعده را به مکروهات با یک نوع القاء خصوصیت و چند وجهی که در اصول آمده بپذیرد، آنوقت می تواند اینجا این را بپذیرد.

راه حل دوم:

این است که همان بحث جبر ضعف سند به شهره را بپذیرد.

بحث شهرت:

شهرت در سه جا مهم است. یکی آنجایی که تعارض می شود و می خواهیم مرجح بپذیریم و نظر برخی از بزرگان این بود که شهرت مرجح است بر خلاف آقای خوئی. یکی در جبر ضعف سند به شهرت است. که ضعف سند به شهرت را جبر می کنند.

یکی هم شهرتی که سند را ساقط می کند. موجب اسقاط سند از حجیت می شود.

نقش بحث شهرت فتوایی در اصول:

سه نقش برای آن در اصول متصور است. یکی در قاعده مرجحات بنابر بعضی از انظار که ما آن نظر را قبول نداریم. یکی در اسقاط حجیت است آن در ترجیح بود این در اسقاط است که در قاعده اعراض مشهور عن الروایه بحث شده است که می گوید روایت صحیح و سند اعلائی است، ولی احراز موجب اسقاطش می شود. یکی هم در تصحیح سند ضعیف است. بعکس آن، سند ضعیف با شهرت فتوایی جبر می شود و تصحیح می شود.

راه حل تصحیح روایات:

۱. یک راه همان تسامح در ادله سنن بود که ما آنها را قبول نداریم، هم اصل قاعده اش را قبول نداریم، هم تعمیمش از مستحبات به مکروهات.

۲. راه دوم جبر ضعف سند به شهرت فتوایی است که این را هم ما علی الاصول قبول نداریم. برای اینکه هم در اینکه چه مقدار شهرت فتوایی در قدمای اصحاب بوده است کمی جای تأمل دارد. من تتبع تام ندارم. و بر فرض

هم که باشد، کبرای جبر ضعف سند به شهرت به طور کلی ما قبول نداریم. با یک قیود سختی بعضی جاها قبول داریم. این دو تا راه نمی تواند این بحث را اثبات بکند.

۳. راه سومی که ما در بحثهای فقه التربیه روی آن تأکید داشتیم همان استفاده حدیث و ضم احادیث غیر معتبر بود که در اثر ضم آنها با چهار یا پنج اصل می گفتیم روایات غیر معتبر متعدد می شود قبول بکنیم. روایات متعدد اگر در مستحبات و مکروهات بخصوص باشد بعدها البته گفتیم در واجبات و محرمات هم شاید بشود. دوم از مباحث اختلاف بین ادیانی نباشد. که جایی باشد که ادیان در آن بحثی داشته باشد. سوم محل اختلاف مذهبی نباشد. چهارم خلاف ضوابط روشن و متعارف عقلی و عرفی نباشد.

این راه سوم اینجا مصداق ندارد. برای اینکه در این بحث روایات متعدد نیست. دو روایت است. پس سه قاعده برای پذیرش روایات غیر معتبر در مستحبات و مکروهات وجود دارد که کبرای بعضی از آن سه قاعده را قبول نداریم. مثل اول و دوم، بعضی هم اینجا مصداق ندارد. این هم النوع الثانی من التزیینات المحرمه. روایات خاصه نداریم، آنوقت قواعد که بیاییم در بحث حمام و استحمام و اینها آنجا به گمانم روایاتی دارد که شاید مذمت کرده در حد کراهت نسبت به اینکه در حمام چیز سفتی و زیر و سخت به صورت کشیده بشود. آنها بعید نیست که القاء خصوصیت بشود، کار به حمام و غیر حمام نداشته باشد. یعنی اصولاً از آنها استفاده بشود که مالش ابزارها و اشیاء سفت و سخت به صورت حمام و غیر حمام ندارد. بخصوص در آرایش گری هم نوعی حالت استحمامی دارد. اگر آن روایات معتبر باشد و القاء خصوصیتی بکنیم. ممکن است بگوییم تزئینات اینطوری اشکال دارد. اگر آن را بپذیریم، باید دو القاء خصوصیت کنیم، یکی بگوییم از حمام به غیر حمام و یکی هم بعید نیست که نوعش هم امروز با زمانهای قبل مثلاً پارچه نباشد غیر پارچه باشد. بر چسب و چیزهایی باشد که بشود القاء خصوصیت کرد. بعید نیست که کراهت داشته باشد.

راه حل سوم:

این است که آن را و اینها را و تعلیل و حکمتی که ذیلش آمده اینها را با هم ببینیم. آنوقت شش، هفت روایت می شود. که در باب حمام هم چند روایت دارد. آنوقت این مجموعه کنار هم آدم را مطمئن می کند که بحث خصوصیتی یا اگر همه ضعیف باشد، می شود مشغول قاعده ضم ضعاف شود. اگر هم یکی از آنها معتبر باشد اینها مؤید می شود. و وجود دو روایت ضعیف در اینجا تسحیل... می کند که آدم بگوید این یک قاعده کلی است کار به اما و غیر اما هم ندارد. اگر این روایات را با هم ببینیم نتیجه ای که از وجه دوم و سوم می گیریم به نظر ما درست است. چه آرایش گری، چه استحمام و حالات مختلف از جمله در مقام آرایش گری وقتی با مالش اشیاء

زبر باشد که نوعی طراوت پوست را می برد، این موجب می شود که کراهت داشته باشد. این را در حد کراهت می شود نظر داد و قبول کرد.

این سه استدلال است که دلیل اولش اشکال دارد، ولی دلیل دوم و سوم را می شود به آن توجه کرد و القاء خصوصیتش را درست کرد. باید یک چیز زبر باشد این مستفاد از روایات است. یا مالش زبر است یا چیزی را می چسباند. تراشیدن با تیغ این حکم را ندارد.

نکته پایانی:

نکته ای که ممکن است ما در پایان این بحث به آن توجه کنیم. که نمی دانم چقدر بشود به این نکته اعتماد کرد. این است که بیاییم بگوییم مجموعه این روایات را بپذیریم. و آنچه که در ذیل آن آمده به عنوان اجلال الوجه و یذهب بماء الوجه و امثال اینها آن را نوعی علت بدانیم یا حکمتی بدانیم که راه را برای تنقیح مناط و القاء خصوصیت باز بکند. و بگوییم حتی اختصاص به خرقه و اینها ندارد. هر نوع آرایش گری تندی که موجب ذهاب الماء الوجه بشود، طراوت پوست را ببرد، کراهت دارد. این اگر باشد آنوقت القاء خصوصیت می آید، روی کرمها و چیزهای تند، حالا حداقل جاهایی که تند است و یک شرائط ویژه ای دارد که بعد از مدتی چهره را چهره مرده ای می کند. اگر اینطور باشد. ممکن است القاء خصوصیت هم به این شکل بشود.